

بایسته‌های فقهی - حقوقی و اخلاقی زیست در فضای مجازی

نویسنده: حجة الاسلام والمسلمین حسین عندلیب^۱

پذیرش: ۱۳۹۵/۰۳/۲۹

دریافت: ۱۳۹۴/۰۲/۱۵

چکیده

فضای مجازی یکی از دستاوردهای نوپدید بشری است، که میلیون‌ها انسان را به خود جذب کرده است. امروزه کمتر کسی است، که از ارتباط با این فضای وسیع، بی‌نیاز باشد؛ به خصوص در سال‌های اخیر، و با وجود آمدن شبکه‌های اجتماعی، شاهد جذب طیف وسیعی از کاربران به این شبکه‌ها هستیم.

فعالیت در فضای مجازی، از آنجایی که یک پدیده، و فعلی از افعال مکلفین است، به طور طبیعی در حیطه احکام فقهی - حقوقی قرار می‌گیرد. حال سوال این است: از منظر فقه و حقوق، چه عناوینی بر فعالیت‌های مجازی مترتب می‌شود؟ فرضیه پژوهش، امکان ترتب ۱۲ عنوان بر این فعالیت‌ها می‌باشد.

بدیهی است، یکی از ضمانت‌های مهم اجرایی این عناوین، فراگیری و به کار بستن آموزه‌های اخلاقی است؛ لذا روش این پژوهش، توصیفی - تحلیلی، و در برخی موارد انتقادی است.

یافته‌های پژوهش به این نتیجه رهنمون می‌شود، که برای تحقق احکام فقهی - حقوقی و زیست فقه‌مدار در فضای مجازی، نیازمند تقویت و به کارگیری آموزه‌های اخلاقی هستیم.

واژگان کلیدی: فضای مجازی، فقهی - حقوقی، آموزه‌های اخلاقی

مقدمه

فضای مجازی یکی از محیط‌های بسیار گسترده است، که مراکز و مؤسسات گوناگون، و میلیون‌ها نفر از انسان‌ها در حال فعالیت در آن هستند.

فعالیت در این فضا همانند هر پدیده دیگر، موضوعی برای احکام فقهی - حقوقی است؛ از همین روی پرداختن به احکام فقهی - حقوقی فعالیت‌ها در فضای مجازی، می‌تواند گامی مهم برای فعالان در این حوزه باشد؛ و از این رهگذر، انطباق و اصلاح اعمال مکلفین در این فضا با آموزه‌های اسلامی، میسر گردد.

پیشینه موضوع

در خصوص موضوع مورد بحث، پژوهش‌های متنوعی تاکنون صورت گرفته است، که به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

- مصطفی‌السان (۱۳۹۳)؛ در کتاب خود «حقوق فضای مجازی» در ضمن شش فصل، به تعهدات در فضای مجازی، حقوق مالکیت فکری در فضای مجازی، امضا، گواهی و دلیل الکترونیکی، جرایم فضای مجازی و آیین کشف و دادرسی جرایم مرتبط با رایانه پرداخته است.
- حجت‌ارشاد حسینی و مجید وزیری (۱۳۹۲)؛ در پژوهش خود «بررسی حکم فقهی و حقوقی افترا و قذف در فضای مجازی» به بررسی حکم افترا و قذف از منظر ادله شرعی و قوانین موضوعه پرداخته‌اند.
- حسینعلی بای و بابک پورقهرمانی (۱۳۸۸)؛ در پژوهش «بررسی فقهی و حقوقی هرزه‌نگاری در فضای مجازی» به بررسی حکم یکی از انواع فعالیت‌ها در فضای مجازی پرداخته‌اند.
- هم‌چنین این دو نویسنده در پژوهشی دیگر (۱۳۸۸)؛ «بررسی فقهی حقوقی جرایم رایانه‌ای» به تفصیل به بررسی این جرایم پرداخته‌اند.

پژوهش‌های اخلاقی نیز در این زمینه صورت گرفته است، که از جمله می‌توان به موارد زیر، اشاره کرد:

- امامی (۱۳۹۳)؛ در «اخلاق در فضای مجازی: بایسته‌ها و نبایسته‌های اخلاقی در فضای مجازی» به تبیین اصول اخلاقی در این فضا پرداخته است.
- سید سعادت‌تی (۱۳۹۱)؛ در پژوهش خود «هنجارهای اخلاق اسلامی در حریم خصوصی فضای مجازی» با پرداختن به هنجارهای اخلاقی، به تطبیق آن با فضای مجازی پرداخته، و به آسیب‌شناسی این حوزه از روابط در فضای غیر مجازی توجه کرده است.
- شهریار (۱۳۸۹)؛ در «اخلاق فناوری اطلاعات» به تبیین بایسته‌های اخلاقی در استفاده از فناوری اطلاعات پرداخته، و سعی دارد مخاطبان را به مسئولیت‌های اخلاقی و دینی خود در استفاده از فضای مجازی و سایبری، توجه دهد.
- ثقة‌الاسلامی (۱۳۸۸)؛ در «چالش‌های اخلاقی در عصر اطلاعات؛ جستارهایی در اخلاق اطلاعات» به مباحث گوناگون اخلاقی در این حوزه پرداخته است.

به طور کلی، به نظر می‌رسد تلفیق میان دو حوزه فقه و اخلاق، ضروری است؛ یعنی اگر سخن از بایسته‌های فقهی و حقوقی به میان می‌آید، مهم‌ترین ضمانت اجرایی این بایسته‌ها، که توجه به مسائل اخلاقی است، باید تبیین گردد تا آن بایسته‌ها به منصفه ظهور و عمل برسد.

این نکته‌ای است، که کمتر مورد توجه پژوهشگران بوده است، و مزیت پژوهش حاضر نیز در همین است، که برای بررسی مسئله، توجه و نظارت توأمان به فقه و اخلاق دارد.

عناوین مترتب بر فعالیت‌ها در فضای مجازی

برای بررسی و در نهایت صدور حکم فقهی - حقوقی برای هر پدیده‌ای، باید به عناوین مترتب بر آن موضوع توجه داشت، که جمله معروف فقها: احکام، دائر مدار عناوین است؛ مؤید این سخن است.

بنابراین باید عناوینی که از منظر فقه و حقوق، مباح، مستحب، واجب، حرام و ممنوع و جرم محسوب می‌شوند را اصطیاد کرد، آن‌گاه اگر فعالیت در فضای مجازی منتسب به هر یک از این عناوین شود، طبعاً حکم فقهی - حقوقی آن نیز جاری می‌گردد.

در ادامه به بیان این عناوین و احکام مربوط به هر یک، پرداخته می‌شود:

۱. فعالیت مباح، مستحب یا واجب

بخشی از فعالیت‌ها در فضای مجازی می‌تواند تحت عناوین مباح، مستحب یا واجب قرار گیرد.

به عنوان مثال: اطلاع‌رسانی در مورد فعالیت‌ها و برنامه‌های روزانه یک شخص یا نهاد؛ زمان برگزاری آزمون و چیزهایی که اگر از طریق این شخص نیز اطلاع‌رسانی نشود، مراجع و منابع دیگر در آن خصوص اطلاع‌رسانی می‌کنند، و ضرورت‌ها و نیکویی‌های منحصر به فردی هم ندارد یک فعالیت مباح است.

مثلاً شخصی در گروه شبکه‌های اجتماعی به دوستان اعلام می‌کند: من امشب به کلاس نمی‌آیم، و بدون حضور آن شخص نیز خللی در کلاس پیش نمی‌آید؛ و یا اطلاع می‌دهد فردا عازم مسافرت هستم، به شرطی که مخاطبین آن، نیازی به این خبر نداشته باشند.

در برخی موارد نیز فعالیت در فضای مجازی عنوان مستحب پیدا می‌کند.

به عنوان مثال: در وب‌نوشت^۱، تارنما^۲ یا گروه‌های اجتماعی احادیث و سخنان حکیمانه را منتشر می‌نماید، و یا مستحسناات دینی را بازگو می‌کند، یا داستان‌های عبرت آموز نقل می‌کند، که همگی عنوان مستحب دارند.

برخی موارد، که عمدتاً بر اهل علم و صاحبان اندیشه فرض است، اطلاع‌رسانی صحیح دینی و ترویج معارف دینی است. در این فضا به مقتضای آیه نفر^۳، این فعالیت، بر عالمان دینی و دانشمندان، واجب کفایی است.

هم‌چنین بر سایر اقدار ارزشی نیز عکس‌العمل و واکنش منطقی به برخی مباحث اعتقادی و... در فضای مجازی است، که در برخی موارد از باب امر به معروف و نهی از منکر، واجب می‌گردد.

به عنوان مثال: در گروهی می‌بیند برخی به غیبت، دروغ، تهمت یا سایر عناوین محرمه دست می‌زنند، بر کاربر فعال در این گروه، واجب است دیگران را نهی از منکر کند، یا در تارنما و یا وب‌نوشتی عناوین محرمه یا تهمت به نظام اسلامی را مشاهده کرد، این جا نیز واجب است پاسخی استدلالی و در خور، ارائه نماید.

۱- ر. ک: توبه، ۱۲۲.

ب. فعالیت‌های حرام

برخی از فعالیت‌ها در فضای مجازی به خاطر اندراج تحت یکی از عناوین محرمه، حرام و ممنوع می‌باشند، که در ادامه به بررسی تفصیلی آن‌ها پرداخته می‌شود:

۱- حرمت قول به غیر علم

یکی از پدیده‌هایی که در فضای مجازی و به خصوص در شبکه‌های اجتماعی به چشم می‌خورد سخنان بدون منبع و سند است. این سخنان که پایه و اساس مشخصی ندارند، یکی از مصادیق قول به غیر علم است، که بر اساس آیه شریفه: «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا»؛ و از چیزی که به آن علم نداری، پیروی مکن؛ زیرا گوش و چشم و دل، مورد بازخواست‌اند.

و آمدن صیغه نهی [لا تقف]، چنین کاری حرام است. بنابراین اشخاص تا زمانی که از صحت و سقم مطلبی اطمینان پیدا نکرده‌اند، حق گسترش آن را در فضای مجازی ندارند.

۲- حرمت شایعه‌پراکنی

یکی از رذائل اخلاقی، که همواره مؤمنین باید از آن دوری کنند، شایعه‌پراکنی است.

پیامبر اکرم ﷺ با الهام از آیه ۳۶ سوره اسراء فرمودند:

«وَلَيْسَ لَكَ أَنْ تَسْمَعَ مَا شِئْتَ»^۱؛ تو آزاد نیستی به هر سخنی که دلت بدان تمایل دارد، گوش فرا دهی.

شایعه خبر بی‌اساسی است،^۳ که گوینده آن را برای ترور شخصیت انسان برجسته و آبرومند، و یا هر موضوع دلخواه فردی یا اجتماعی، در جامعه نشر می‌دهد.

بر اساس آیات ۱۹ و ۱۲-۱۱ سوره مبارکه نور، اصول زیر به دست می‌آید:

- ۱- شایعه‌افکنی حرام است، و اسلام، اهل آن را کیفر داده، و نکوهش می‌کند.
- ۲- نه تنها شایعه‌سازی حرام است؛ بلکه دوست داشتن اشاعه فحشا و حمایت و پشتیبانی از شایعه‌سازان نیز حرام است.
- ۳- کیفر شایعه فقط دنیایی نیست؛ بلکه کیفر اخروی نیز دارد.
- ۴- راز شدت عمل در برابر شایعه‌سازان و عوامل نشر اکاذیب و اشاعه زشتی‌ها را جز خدا، کسی نمی‌داند.
- ۵- وظیفه شنونده شایعه در مورد افک، آن است که از گوینده آن، شهود طلب کند، و تعداد شهود او نیز باید از چهار نفر کمتر نباشند؛ در غیر این صورت، دروغگو قلمداد خواهد شد.

۱- اسراء، ۳۶.

۲- فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص. ۱۹۲.

۳- دهخدا، ذیل واژه شایعه.

- ۶- حد شایعه افک، حد قذف است؛ و حد قذف، همان حد اتهام در فقه اسلامی است.
- ۷- هر چند شایعه‌ساز در آغاز، یک نفر است؛ ولی پخش کنندگان آن نیز شایعه‌ساز محسوب می‌شوند.
- ۸- شایعه، غالباً درباره برجستگان جامعه است.^۱

بر اساس ماده ۷۴۶ قانون مجازات اسلامی:

هر کس به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی، به وسیله سامانه رایانه‌ای یا مخابراتی، اکاذیبی را منتشر نماید، یا در دسترس دیگران قرار دهد، یا با همان مقاصد اعمالی را بر خلاف حقیقت، رأساً یا به عنوان نقل قول، به شخص حقیقی یا حقوقی به طور صریح یا تلویحی نسبت دهد، اعم از این‌که از طریق یاد شده به نحوی از انحای ضرر مادی یا معنوی به دیگری وارد شود یا نشود، افزون بر اعاده حیثیت، به حبس از نود و یک روز تا دو سال، یا جزای نقدی از پنج تا چهل میلیون ریال، یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

بنابراین، علاوه بر حرمت فقهی شایعه‌پراکنی و انتشار سخنان بی‌پایه، از منظر قانونی نیز این عمل، یک جرم محسوب می‌شود، و علاوه بر امکان اعاده حیثیت توسط کسی که بر علیه‌اش شایعه‌پراکنی شده، جرایم حبس و مجازات نقدی نیز به دنبال دارد.

- راه‌های درمان بیماری شایعه‌سازی

ذهن و نگاه شایعه‌گر را باید به چند نکته زیر، توجه داد تا شاید از تکرار عمل خلاف خود، اجتناب کند:

- ۱- شایعه‌پرداز باید به این حقیقت بیندیشد، که مشمول نفرین الهی و در شمار دروغ‌گویان است.

قرآن کریم در برخی از موارد، صریحاً از کذب و کذاب نکوهش می‌کند؛ و در برخی دیگر نیز با آهنگی دیگر، آن را مذمت می‌کند؛ از جمله آیه زیر:

«قُتِلَ الْخَرَّاصُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي عَمْرَةٍ سَاهُونَ»^۲؛ مرگ بر دروغ‌گویان؛ آن کسانی که در جهل و غفلت، غوطه‌ورند.

خراصون کسانی هستند، که مطلب بی‌اساس را به دیگران انتقال می‌دهند.

طبرسی در «جوامع الجامع» می‌نویسد:

«الخراصون... الكذابون المقدرين مالا يصح وهم اصحاب القول المختلف»؛ خراصون به آن دسته از دروغ‌گویانی گویند، که مطلب را بر زبان‌ها می‌اندازند، و از هر دری سخن می‌گویند.

خراصون به کسانی گفته می‌شود، که آرا و اقوال مختلف پیرامون عقاید و ایمان از آنان بر زبان جاری می‌شود. اینان در اقوال و گفتار خود، دقت ندارند، و گاهی به نقل مطالب بی‌اساس می‌پردازند، مطالب دروغ را بر زبان می‌آورند، و در اثر غفلت و جهالت خود، به آن توجه نمی‌کنند.^۳

۱- پیام حوزه، ۱۳۷۹، ص. ۱۶۱.

۲- ذاریات، ۱۰.

۳- ر. ک: فیض کاشانی، ۱۴۱۵.

۲- به اهل شایعه باید توجه داد، که از دیدگاه اسلام، بیان هر چیزی بر زبان، مجاز نیست.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در «نهج البلاغه» می‌فرماید:

«لَا تَقُلْ مَا لَا تَعْلَمُ بَلْ لَا تَقُلْ كُلَّ مَا تَعْلَمُ!»؛ نه تنها چیزی که علم نداری، بازگو مکن؛ بلکه همه آنچه را که می‌دانی نیز مگو.

۳- انسان با ایمان، در پرهیز از سخنان ناروا، از گفتن سخنان خوب نیز تا حدودی باید خودداری ورزد.

به فرموده امام علی علیه السلام:

«إِذَا تَمَّ الْعَقْلُ نَقَصَ الْكَلَامُ»؛ هر گاه خرد انسان کامل گردد، از سخن کاسته شود.

امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید:

«الْمُؤْمِنُ مُلْجَمٌ بِالْجَمِّ»؛ زبان انسان مؤمن، لجام دارد، و حرف‌های ناپسند نمی‌زند.

۴- یکی از راهکارها، حقیقت‌پیشگی و واقع‌گرایی است.

امام کاظم علیه السلام به هشام، این چنین رهنمود فرمودند:

ای هشام! اگر در دست تو دانه گردویی است، ولی همه مردم آن را جواهر پنداشته‌اند، این پندار تو را سود نبخشد؛ چون می‌دانی آنچه در دست تو است، گردویی بیش نیست. هم‌چنین اگر در میان مشت تو، جواهری باشد؛ اما مردم آن را گردو قلمداد کرده‌اند، در این صورت نیز این پندار، واقعیت را دگرگون نمی‌سازد.^۴

۵- پرهیز از خوشبینی بی‌جا؛ یکی دیگر از راه‌های درمان و رهایی از بیماری شایعه‌سازی است.

هر چند نباید بدون دلیل، به دیگران و سخنی که از آنان شنیده می‌شود، بدبین بود؛ ولی زمان‌شناسی را نیز نباید از نظر دور داشت؛ زیرا گاهی در جامعه ناامنی در گفتار، یا تهاجم به حیثیت و آبروی افراد، حاکم است.

لذا امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند:

چیزی که از برادر مؤمن خود شنیده و یا دیده‌ای، که به ظاهر ناپسند جلوه می‌کند، تلاش کن تا آن را به وجه احسن، تفسیر و تحلیل کنی؛ مگر آن‌جا که بر جامعه، ناهنجاری از حیث خصلت، بدخواهی و عدم صداقت و صمیمیت میان افراد غلبه دارد، و تباهی، تار و پود آن را فرا گرفته است.^۵

هم‌چنین حضرت در روایتی دیگر، فرمودند:

در جامعه بیمار، اگر کسی خوشبینی را پیشه خود ساخته، و از این راه، ضربه‌ای به او وارد شود، جز خود را ملامت نکند.^۶

۱- نهج البلاغه، حکمت ۲۸۳.

۲- همان، جملات قصار، ش ۷۱.

۳- مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص ۲۷۵.

۴- ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳، ص ۳۸۶.

۵- مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص ۱۹۶.

۶- نهج البلاغه، جملات قصار، ش ۱۱۴.

امام هادی علیه السلام نیز در همین ارتباط، می‌فرماید:

هنگامی که زمانه به گونه‌ای است، که عدالت و ایمان در میان مردم حاکمیت دارد؛ در این صورت، نباید بی‌جهت به دیگران بدبین بود؛ مگر در مورد کسی که بی‌عدالتی از او دیده شده باشد؛ ولی اگر زمانه عکس آن باشد، و بی‌عدالتی و لایابالی‌گری بر مردم حاکم باشد، در این صورت نباید به مردم اعتماد کرد؛ بلکه باید به آنان سوءظن داشت؛ مگر درباره کسی که شایستگی و عدالت او به اثبات رسیده باشد.^۱

۶- اجرای تعزیر و یا حد الهی درباره شایعه‌گر؛ از دیگر راه‌های مبارزه با این عمل ناپسند است.

۷- به شایعه‌گر توجه داد، که عملش بدترین شیوه مردم‌آزاری است.

۸- به شایعه‌گر توجه داد، که عملش نوعی جنگ با خداست.

۹- به شایعه‌گر توجه داد، که شهادتش در جامعه، از اعتبار، ساقط است.

۱۰- به شایعه‌گر توجه داد، که از پرحرفی اجتناب کند.

پرهیز از پرحرفی و روی آوردن به کم‌حرفی یا سکوت حکیمانه، آدمی را از بیماری شایعه و نارواگویی نجات می‌دهد؛ زیرا پرحرفی به هرزه‌گویی منجر می‌شود.

به بیان امیرالمؤمنین علیه السلام:

آن کس که زیاد سخن می‌گوید، زیاد اشتباه می‌کند؛ و آن کس که زیاد اشتباه کند، حیایش کم می‌شود؛ و کسی که حیایش کم شود، پارسایش نقصان می‌پذیرد؛ و کسی که پارسایش نقصان پذیرد، قلبش می‌میرد؛ و کسی که قلبش بمیرد، داخل دوزخ می‌شود؛ و آن کس که به عیب‌های مردم چشم بدوزد، و آن را شماره کند؛ ولی همان‌ها را خودش دارا باشد، احمق واقعی است.^۲

۳- حرمت تضعیف ارزش‌های دینی

معناداری زندگی انسان، مرهون انجام اعمال و رفتارهایی است، که در چارچوب نظام ارزشی ویژه یک جامعه، و در راستای باورها و نظام عقیدتی آن جامعه انجام می‌گیرد؛ و چون مطابق بینش اسلامی، تنها جهان‌بینی حق و به تبع آن تنها نظام عقیدتی و ارزشی صحیح، دین اسلام است، عامل معناداری و جهت‌دهنده زندگی انسان از نگاه مسلمانان، دین می‌باشد.

بنابراین، حفظ ارزش‌ها و اصول اعتقادی مورد نظر اسلام، تقویت ارزش‌های دینی است؛ و در نقطه مقابل، آنچه در پی تخریب و کم‌رنگ کردن اصول اعتقادی و ارزش‌های اسلامی باشد، تضعیف ارزش‌های دینی است.

۱- مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۸، ص ۳۷۰.

۲- نهج البلاغه، جملات قصار، ش ۳۴۹.

بر اساس آیه شریفه

«وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ»؛^۱ و حق جهاد در راه او را به جای آرید.

مجاهدت در راه خداوند، یکی از واجبات است. مجاهدت نیز تنها به عرصه نظامی محدود نمی‌شود؛ بلکه به تعبیر مرحوم طبرسی، بیشتر مفسران گفته‌اند:

مراد از این جهاد، تمامی چیزهایی است، که طاعت خداوند محسوب می‌شود؛ لذا حق جهاد این است، که با نیت صادق و خالص، برای خداوند اتیان شود.^۲

بنابراین، یکی از عرصه‌های جهاد، حفظ و تقویت ارزش‌های الهی است؛ و در مقابل، جلوگیری از تضعیف ارزش‌ها است. با این وصف، در برخی موارد - در فضای مجازی - برخی از ارزش‌های دینی تضعیف می‌گردد.

به عنوان مثال: لطف‌ها و طنزهایی درباره بهشت و جهنم و سایر امور اعتقادی تولید شده، و در این فضا رد و بدل می‌شود؛ البته ممکن هدف همه تولید کنندگان، یا کسانی که این محتواها را رد و بدل می‌کنند، توهین نباشد؛ اما ناخواسته این ارزش‌ها تضعیف می‌گردد، و تضعیف ارزش‌ها نیز از منظر فقه اسلامی، ممنوع و حرام است. هم‌چنین بر اساس ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی، هر کس به مقدسات اسلام و یا هر یک از انبیای عظام یا ائمه طاهرين^{علیهم‌السلام} اهانت نماید، اگر مشمول حکم ساب‌النبی باشد، اعدام می‌شود؛ و در غیر این صورت، به حبس از یک تا پنج سال محکوم خواهد شد.

ماده ۵۱۴ قانون مجازات اسلامی نیز می‌گوید:

هر کس به حضرت امام خمینی^{علیه‌السلام} بنیان‌گذار جمهوری اسلامی و مقام معظم رهبری به نحوی از انحا اهانت نماید، به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.

۴- حرمت تضعیف نظام اسلامی

بر اساس ادله عقلی و نقلی، تشکیل حکومت در دوران غیبت کبری، یکی از وظایف فقهای شیعه است؛ لذا هرگونه فعالیت اعم از تبلیغاتی و عملی در راستای تضعیف و ضربه زدن به حکومت دینی، حرام است.

در برخی از فعالیت‌های مجازی به خصوص شبکه‌های اجتماعی، برخی نقاط ضعف حکومت اسلامی پررنگ می‌شود، که این مسئله، یکی از مصادیق تضعیف نظام اسلامی است.

یا در برخی موارد دروغ‌هایی به کارگزاران و مسئولین نظام اسلامی نسبت داده می‌شود، که گذشته از حرمت افترا به اشخاص، تضعیف نظام اسلامی را نیز در پی دارد؛ در این صورت، انجام دهنده آن، دو گناه مرتکب شده است.

۱- حج، ۷۸.

۲- مجمع البیان، ج ۷، ص. ۲۶۳.

۵- حرمت اضرار به مسلمین

بر اساس قاعده فقهی: «لاضرر ولاضرار فی الاسلام» و برداشت وسیع از این قاعده، ضرر رساندن به مسلمانان، حرام است. فعالان در فضای مجازی - اعم از رسانه‌ها و اشخاص حقیقی - باید به این مهم توجه داشته باشند، که انتشار اخبار و سخنانی که به ضرر یک یا چند نفر از مسلمین منجر شود، از نظر فقهی حرام، و شخص، ضامن خسارت وارده است. یکی از مهم‌ترین مرزهای استفاده از حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی، رعایت حرمت حقوق و آزادی‌های دیگران است. به همین دلیل ماده ۴ اعلامیه حقوق بشر در انقلاب فرانسه، مقرر داشته است، که: آزادی عبارت است از قدرت داشتن بر انجام هر عملی، که مستلزم زیان دیگری نباشد؛ پس اعمال حقوق طبیعی هر کس، حد و انتهایی ندارد؛ مگر حقوق طبیعی اعضای دیگر جامعه، که مانند وی باید از آزادی بهره‌مند باشند. این حدود را فقط قانون تعیین می‌کند.

این قاعده که اضرار به دیگران، خط قرمز استفاده از حقوق محسوب می‌شود، در نظام‌های حقوقی تحت عنوان منع: سوء استفاده از حق^۱ به عنوان اصلی مسلم پذیرفته شده است. در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران نیز همین قاعده در اصل چهلم قانون اساسی، به این صورت انعکاس یافته است، که: هیچ‌کس نمی‌تواند اعمال خویش را به وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد. بر این اساس، اولاً یکی از وظایف صاحبان رسانه‌ها و اشخاص حقیقی این است، که مراقب اخبار و سخنانی که در فضای مجازی منتشر می‌کنند، باشند تا مبادا از انتشار آن، ضرری متوجه فرد یا افرادی گردد. ثانیاً دستگاه حاکمیت اسلامی نیز موظف است، جلوی انتشار اخبار ضررآفرین برای مسلمین را بگیرد، و نظارت جدی بر محتوای تولیدی در فضای مجازی داشته باشد.

۶- حرمت هرزه‌نگاری و اشاعه فحشا

در مورد حرمت پورنوگرافی، که عبارت است از هرزه‌نگاری و نمایش تصاویر ثابت و متحرک مستهجن و مبتذل، می‌توان به امور چندی از قبیل حرمت اشاعه فحشا، حرمت افشای سیر و اعانه بر اثم، استدلال کرد. افزون بر ادله‌ای که در زیر مورد اشاره قرار می‌گیرد، ممکن است ادله دیگری نیز در حرمت پورنوگرافی وجود داشته باشد، که به دلیل وافی به مقصود بودن ادله مزبور، به همین مقدار بسنده می‌شود:

الف - اشاعه فحشا

در قرآن کریم در مورد افرادی که قصد اشاعه فحشا و منکرات را در میان مؤمنان دارند، چنین آمده است: «إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ»^۲؛ همانا برای کسانی که تمایل به اشاعه فحشا در میان مؤمنان دارند، عذاب دردناکی در دنیا و آخرت خواهد بود.

در روایتی از پیامبر اکرم ﷺ آمده است:

«مَنْ أَدَاعَ فَاحِشَةً كَانَ كَمُبْتَدِيهَا»؛ شخصی که امر منکری را فاش می‌سازد، همانند شخصی است که آن را آغاز کرده باشد.

در روایت دیگری نیز آمده است:

«مَنْ سَمِعَ فَاحِشَةً فَأَفْشَاهَا فَهُوَ كَمَنْ أَتَاهَا»؛ شخصی که امر منکری را در مورد شخصی بشنود و آن را فاش سازد، همانند مرتکب آن عمل خواهد بود.

لذا نمایش دادن تصاویر عریان و نیمه عریان، و یا نمایش اعمال جنسی از مصادیق بارز آیه و روایات مذکور است، و عملی حرام خواهد بود.

مشهور فقها در باب تعزیرات، که متخذ از قاعده «التعزیر لکل فعل محرم» است، این‌که: می‌توان برای مرتکب این عمل، مجازات تعزیر قرار داد.^۳

هم‌چنین مطابق آیه شریفه، برای اشاعه‌دهنده فحشا، عذاب دنیوی وعده داده شده؛ اما نوع و کمیت این عذاب، مشخص نشده است؛ لذا این مجازات، از سنخ تعزیر خواهد بود.

ب- اعانه بر اثم

انتشار تصاویر و فیلم‌های مبتذل و مستهجن، موجب گرفتار شدن دیگران در منجلاب گناه و فساد می‌شود، و به این دلیل مصداق اعانه بر اثم است، که به تصریح آیه شریفه: «وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ»؛ و در راه گناه و تعدی، همکاری ننمایید.

عملی حرام و منهی‌عنه است؛ و مطابق مبنای مشهور، مرتکب آن مستحق تعزیر خواهد بود. افزون بر آن، انتشار تصاویر افراد در مواردی موجب سوء استفاده سودجویان از صاحبان تصاویر، و استثمار جنسی آن‌ها می‌شود؛ از این رو مقدمه عمل حرام است. حال اگر پذیرفته شود مقدمه حرام، حرام است، پورنوگرافی نیز عملی حرام، و مستوجب تعزیر است. مقدمه حرام گاهی به صورتی است، که انجام دادن آن با انجام دادن حرام، ملازمه دارد. به تعبیر دیگر، مقدمه از اسباب تولیدی، و علت تامه فعل حرام است؛ به گونه‌ای که پس از ارتکاب مقدمه، حرام نیز در خارج محقق می‌شود.

۱- صدوق، ۱۳۶۸، ص. ۲۴۷.

۲- حر عاملی، ۱۳۶۸، ج ۱۲، ص. ۲۹۶.

۳- حلی، ۱۴۱۳، صص. ۵۴۸ و ۹۴۸.

۴- مائده، ۲.

برخی از فقها انجام دادن این گونه مقدمات را حرام نفسی،^۱ و برخی حرام گیری دانسته‌اند؛^۲ برخی نیز حرمت این قسم را تابع پذیرش وجوب مقدمه قرار داده‌اند.^۳

بیان این نکته نیز لازم است، که پورنوگرافی با استثمار جنسی و محرمانی چون نگاه کردن شهوانی دیگران به تصاویر مزبور، ملازمه ندارد؛ هرچند در بیشتر موارد، چنین است؛ اما نمی‌توان آن را مشمول این قسم دانست.

گاهی مقدمه حرام از اسباب تولیدی محسوب نمی‌شود؛ بلکه مانند علت ناقصه حرام است. در چنین حالتی، اگر قصد مرتکب مقدمه حرام، وصول به حرام در خارج باشد، و حرام نیز محقق گردد، ارتکاب مقدمه حرام خواهد بود؛ اما اگر حرام در خارج محقق نشود، ارتکاب مقدمه حرام، حرام نخواهد بود؛ مگر طبق مبنایی که تجری را حرام می‌داند.^۴

بنابراین اگر قصد مرتکب پورنوگرافی، به گناه افتادن دیگران از راه امور شهوانی باشد، و این امور نیز محقق شود، مطابق برخی از مبانی اصولی، می‌توان پورنوگرافی را از باب مقدمه حرام، حرام است، دانست.

ج- افشای سر

برخی از مصادیق پورنوگرافی، که به نوعی مربوط به فیلم‌های خصوصی و خانوادگی، و نیز روابط زناشویی است، مشمول ادله حرمت افشای سر است؛ حتی نمایش تصاویر و فیلم‌های متضمن امور جنسی، که مخفیانه گرفته شده است - هرچند این روابط حرام بوده باشد - باز هم مصداق افشای سر است، که دارای حرمت شرعی است.

برخی از مصادیق پورنوگرافی نیز مشمول عناوین حرام دیگری هم چون اینداز است؛ زیرا نمایش دادن تصاویر افراد بدون رضایت آن‌ها موجب آزار و اذیت آنان شده؛ به نحوی که گاهی موجب فرو پاشیدن خانواده آن‌ها و از هستی ساقط شدن آنان می‌گردد.

نمونه‌های فراوانی وجود دارد، که افراد با اغراض مختلف، تصاویر دیگران را از راه اینترنت در معرض دید قرار می‌دهند، و موجب آشفتگی خاطر آن‌ها می‌گردند.

مرتکب عمل پورنوگرافی را در مواردی، که عمل وی در حد گسترده و وسیع صورت گرفته باشد، به گونه‌ای که مشمول آیه «وَيَسْعُونَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا»^۵ باشد، می‌توان از باب افساد فی الارض به مجازات رساند.

هم‌چنین با توجه به فتاوی گروهی از فقها در حرمت تشییب، به طریق اولی می‌توان حرمت برخی از مصادیق پورنوگرافی را به دست آورد؛^۶ زیرا زمانی که تشییب یا بیان محاسن و زیبایی‌های زنان مؤمن حرام باشد، به طریق اولی نمایش تصاویر آن‌ها که موجب هدایت فاسقان به سوی صاحبان تصاویر و هتک حرمت آنان می‌شود، دارای حرمت و منع شرعی خواهد بود.

۱- خوبی، ۱۴۱۹، ص. ۳۶۱.

۲- خراسانی، ۱۴۱۵، ص. ۱۶۰؛ منتظری، ۱۳۷۰، ص. ۱۸۹.

۳- مکارم شیرازی، ۱۴۲۵، ص. ۴۲۷؛ سبحانی تبریزی، بی‌تا، ج ۱، ص. ۴۰۰.

۴- خوبی، ۱۴۱۹، ص. ۳۶۱.

۵- ر. ک: مائده، ۳۳.

۶- حلی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص. ۸ و ج ۳، ص. ۴۹۵؛ کرکی، ۱۴۰۸، ج ۲، ص. ۲۸؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۱۴، ص. ۱۸۲؛ محقق اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۱۲، ص. ۳۳۹.

با وجود این، به نظر می‌رسد دلیل اصلی حرمت تشبیب، یکی از ادله پیشین است؛ از این رو، مشکل می‌توان حرمت تشبیب را دلیل مستقلاً در مقابله ادله پیش گفته در نظر گرفت.

نکته دیگر این‌که، ممکن است پورنوگرافی از جهت دیگری نیز تحریم شود؛ مثل این‌که تصویر مونتاژ شده شخصی را، که حاکی از عمل جنسی او با شخص دیگر باشد، و یا تصویر او را در کنار یک زن، که نشان دهنده ارتباط نامشروع با او باشد، نشان دهد؛ در این موارد نیز عمل چنین فردی به دلیل نسبت دادن عمل نامشروع به شخص، حرام است.^۱ قانون جرایم رایانه‌ای، در مورد مجازات محتویات مستهجن و مبتذل، تفاوت قائل شده است. طبق ماده ۱۴ این قانون:

مرتکبین انتشار، توزیع، معامله و نیز تولید، ذخیره و نگهداری محتویات مستهجن به قصد تجارت و افساد، به مجازات حبس از نود و یک روز تا دو سال، یا جزای نقدی از پنج تا چهل میلیون ریال، یا هر دو مجازات محکوم می‌شوند؛ ولی مرتکبین اعمال فوق در مورد محتویات مبتذل، به حداقل یکی از مجازات‌های اشاره شده، محکوم می‌شوند.

این در حالی است که قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیر مجاز می‌کنند، نسبت به قانون جرایم رایانه‌ای، شدت عمل بیشتری نشان داده است. طبق ماده ۳ قانون مذکور:

عوامل اصلی تکثیر و توزیع آثار سمعی و بصری مستهجن در مرتبه اول، به یک تا سه سال حبس، و ضبط تجهیزات مربوطه، و یکصد میلیون ریال جریمه نقدی، و محرومیت اجتماعی به مدت هفت سال؛ و در صورت تکرار به دو تا پنج سال حبس، و ضبط تجهیزات مربوطه، و دویست میلیون ریال جزای نقدی، و محرومیت اجتماعی به مدت ده سال محکوم می‌شوند؛ و در هر حال، چنان‌چه از مصادیق افساد فی الارض شناخته شوند، به مجازات آن محکوم می‌گردند.

با مشاهده این قوانین، به نظر می‌رسد تناسبی میان مجازات جرایم دو قانون وجود ندارد، و لازم است مجازات بیشتری در قانون جرایم رایانه‌ای، باتوجه به گستردگی آن، تعیین شود.

هم‌چنین بر اساس ماده ۱۴ قانون جرایم رایانه‌ای، ارسال محتویات مستهجن برای کمتر از ده نفر، فقط یک تا پنج میلیون ریال جزای نقدی مجازات دارد؛ این در حالی است، که طبق تبصره ۴ ماده ۳ قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیر مجاز می‌کنند، مرتکبین تکثیر و توزیع کمتر از ده نسخه، به جزای نقدی یک تا ده میلیون ریال، و ۳۰ تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم شده‌اند، که تناسب نداشتن مجازات‌های این دو ماده، آشکار است.

نکته مهم دیگر این‌که قانون جرایم رایانه‌ای در مورد پورنوگرافی کودکان، سخنی به میان نیاورده است؛ یعنی تفاوتی میان بزه‌دیدگی افراد قائل نشده است؛ این در حالی است، که قوانین و مقررات بین‌المللی و هم‌چنین قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیر مجاز می‌کنند، در مورد بزه‌دیدگی کودکان در فضای مجازی پورنوگرافی شدت عمل نشان داده‌اند، که مناسب بود قانون جرایم رایانه‌ای چنین موضوعی را پیش‌بینی می‌کرد.

۱- بای و یور قهرمانی، ۱۳۸۸، صص. ۱۰۷-۱۰۴.

سرانجام این‌که بر اساس مواد ۲۶ و ۲۷ قانون، در صورتی که مرتکب از اشخاص مندرج در بند الف ماده ۲۶ باشد، یا جرم در سطح گسترده و یا سازمان‌یافته ارتکاب یابد، مجازات مرتکب، تشدید می‌شود؛ و در صورت تکرار جرم، دادگاه می‌تواند طبق ماده ۲۷، مجازات تکمیلی نیز در نظر بگیرد.^۱

- هرزه‌انگاری در حقوق بین‌الملل

پدیده هرزه‌انگاری از چنان مذمومیتی برخوردار است، که اسناد بین‌المللی نیز به ممنوعیت آن پرداخته‌اند. در قوانین بین‌المللی، بیشترین حمایت از کودکان، در برابر پدیده هرزه‌انگاری صورت گرفته است. در پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک، درباره فروش، فحشا و پورنوگرافی کودک، مصوب ۵ می سال ۲۰۰۰ میلادی، که مفتوح برای امضا، پورنوگرافی الحاق و پذیرش بوده، و از ۸ ژانویه ۲۰۰۲ نیز قدرت اجرایی یافته است، پورنوگرافی کودک به صورت زیر تعریف شده است:

هر گونه نمایش، به هر طریق و وسیله، از کودک تحریک و تشویق شده به فعالیت‌های جنسی صریح، واقعی یا شبیه‌سازی شده، یا هر گونه نمایش قسمت‌های جنسی کودک برای اهداف عمدتاً جنسی، پیشنهاد نهایی کنوانسیون جرایم سایبر^۲ شورای اروپا مقرر می‌دارد: پورنوگرافی کودک شامل موضوعات و مواد پورنوگرافی می‌شود، که تصویر و تجسمی دیداری را از کودک تحریک و تشویق شده به رفتار صریح جنسی ارائه می‌کند.^۳

در قوانین امریکا نیز مطالبی که دارای خصوصیات زیر باشد، مستهجن تلقی می‌شود، و اشاعه آن ممنوع است:

- ۱- خواهان یک علاقه شدید-وقیح، هولناک، بی‌شرمانه یا شهوانی-جنسی‌اند؛
 - ۲- ارتباط جنسی را به شیوه‌های آشکار و آزاردهنده توصیف می‌کنند.
- به عبارت دیگر، از معیارهای جامعه کنونی فراتر می‌روند، و توصیف‌هایی را از ارضا یا فعالیت‌های جنسی، بیان می‌کنند.
- ۳- ارزش ادبی، هنری، سیاسی و علمی ندارند؛ بنابراین ممکن است چیزی پونورگرافیک باشد؛ ولی هنوز مستهجن شناخته نشده باشد.^۴

۷- حرمت دروغ، افترا، غیبت و هجو

دروغ، افترا و غیبت؛ سه رذیله از رذائل اخلاقی هستند، که برخی انسان‌ها به آن گرفتارند. ممنوعیت دروغ از نظر اسلام، چنان آشکار و معلوم است، که بسیاری از فقها نیازی به اثبات آن ندیده، و آن را از جمله ضروریات دین دانسته‌اند.

۱- بای و پور قهرمانی، ۱۳۸۸، صص. ۱۲۳-۱۲۲.

۳- کار، ۱۳۸۲، ص. ۶۱.

۴- کلانین، ۱۳۸۴، ص. ۳۱.

دلیل چنین برخورد قاطعی با دروغ و دروغگویان، علاوه بر قبح ذاتی کذب، و این‌که موجب وهن شخصیت انسان می‌گردد، آثار زیان‌بار و مخرب آن در روابط اجتماعی است.

بزرگترین پیامد زشت رواج دروغ‌گویی، سلب اعتماد و اطمینان شهروندان از یکدیگر است؛ یعنی آن‌چه سنگ بنای جوامع بشری است.

این احتمال، که طرف مقابل در آن‌چه می‌گوید، صداقت نداشته، و اظهارات او مخالف واقع باشد، موجب سوء ظن، تشویش روانی و اضطراب‌هایی می‌شود، که رکود معاملات و گردش اقتصادی، و درگیری‌های اجتماعی تنها بخشی از آثار آن است.

غیبت نیز از جمله محرمات الهی است، که قرآن کریم آن را به خوردن گوشت برادر مرده تشبیه کرده است؛^۱ پدیده‌ای که در فضای مجازی، به فراوانی مشاهده می‌شود. مضافاً این‌که اگر این بدگویی، دروغ باشد، بهتان و افترا نامیده می‌شود.

قرآن کریم، افترا و بهتان را یکی از محرمات محسوب کرده، و می‌فرماید:

«إِنَّمَا يَفْتَرِي الْكَذِبَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْكَاذِبُونَ»^۲؛ فقط کسانی دروغ می‌بندند، که به آیات

خدا ایمان ندارند، و اینانند که دروغ‌گوی واقعی‌اند.

در اصطلاح حقوقی نیز افترا، نسبت دادن صریح عمل مجرمانه به شخص یا اشخاصی است، در صورتی که بر خلاف واقع باشد.

به عبارت دیگر:

انتساب امری مجرمانه یا انتشار جرم انتسابی به یکی از طرق قانونی و امثال آن.^۳

ماده ۶۹۷ قانون مجازات اسلامی، در این باره می‌گوید:

هرکس به وسیله اوراق چاپی یا خطی، یا به وسیله درج در روزنامه و جراید، یا نطق در مجامع، یا به هر وسیله دیگر، به کسی امری را صریحاً نسبت دهد، یا آن‌ها را منتشر نماید، که مطابق قانون، آن امر جرم محسوب می‌شود، و نتواند صحت آن اسناد را ثابت نماید؛ جز در مواردی که موجب حد است، به یک ماه تا یک سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق، یا یکی از آن‌ها حسب مورد، محکوم خواهد شد.

تبصره: در مواردی که نشر آن امر، اشاعه فحشا محسوب گردد؛ هرچند بتواند صحت اسناد را ثابت نماید، مرتکب به مجازات مذکور، محکوم خواهد شد.

۱- ر.ک: حجرات، ۱۲.

۲- نحل، ۱۰۵.

۳- گلدوزیان، ۱۳۸۸، ص. ۱۴۲.

ماده ۶۹۸ همان قانون نیز می‌گوید:

هر کس به قصد اضرار به غیر، یا تشویش اذهان عمومی، یا مقامات رسمی، به وسیله نامه یا شکواییه یا مراسلات یا عرایض یا گزارش یا توزیع هرگونه اوراق چاپی یا خطی - با امضا یا بدون امضا - اکاذیبی را اظهار نماید، یا با همان مقاصد، اعمالی را برخلاف حقیقت، رأساً یا به عنوان نقل قول به شخص حقیقی یا حقوقی یا مقامات رسمی - تصریحاً یا تلویحاً - نسبت دهد؛ اعم از این‌که از طریق مزبور به نحوی از انحاء ضرر مادی یا معنوی به غیر وارد شود یا نه، علاوه بر اعاده حیثیت در صورت امکان، باید به حبس از دو ماه تا دو سال، و یا شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم شود.

در ماده ۱۸ قانون جرایم رایانه‌ای نیز آمده است:

هر کس... اعمالی را برخلاف حقیقت، رأساً یا به عنوان نقل قول، به شخص حقیقی یا حقوقی - به طور صریح یا تلویحی - نسبت دهد، اعم از این‌که از طریق یاد شده به نحوی از انحاء ضرر مادی یا معنوی به دیگری وارد شود یا نشود، افزون بر اعاده حیثیت، به حبس از نود و یک روز تا دو سال، یا جزای نقدی از پنج تا چهل میلیون ریال، یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

هجو نیز یکی دیگر از عناوین مجرمانه است. گاهی ممکن است شخص توهین کننده با مرتبط کردن کلمات و عبارات به یکدیگر، شخص مقابل را در قالب یک قطعه منظوم یا مثنوی، مورد اهانت قرار دهد، که این کار را هجو می‌گویند. در واقع شرط تحقق این جرم، مرتبط کردن کلمات و واژه‌ها به یکدیگر، در قالب یک شعر یا قطعه مثنوی است، و صرف پی در پی گفتن کلمات توهین آمیز به دیگری، موجب تحقق هجو نمی‌شود.

ماده ۷۰۰ قانون مجازات اسلامی، در این باره می‌گوید:

هر کس با نظم یا نثر یا به صورت کتبی یا شفاهی، کسی را هجو کند، و یا هجویه را منتشر نماید، به حبس از یک تا شش ماه محکوم می‌شود.

- راهکار اخلاقی درمان دروغگویی، غیبت‌گری و هجوگویی

مهم‌ترین راهکار برای درمان این بیماری‌های اخلاقی این است، که ابتدا به نتایج و پیامدهای شوم این رذائل توجه شود. از پیامدهای دنیوی این رذائل، می‌توان به ایجاد کینه، دشمنی و نفرت میان مسلمین، از بین رفتن شخصیت و سلب اعتماد از انسان، و مجازات‌های قانونی اشاره کرد؛ هم‌چنین پیامد اخروی آن‌ها نیز عذاب الهی است. راهکار دوم نیز این‌که یکی از ریشه‌های اصلی این رذائل، حسادت و بخل است؛ لذا لازم است انسان مؤمن، حسادت و بخل را از خود دور کند تا بتواند این رذائل را از اخلاق و کردار خود تطهیر نماید. راه دوری حسادت و بخل نیز در این است، که بداند همه خزاین و نعمت‌ها به دست خداوند است، و اگر او بخواهد این شخص نیز صاحب نعمت می‌شود.

ثانیاً این‌که بداند نعمت‌ها، آزمایش‌هایی نیز به دنبال دارد.

ثالثاً نعمت‌های دنیا، فناپذیر و موقتی است؛ لذا برای به دست آوردن آن، نباید به دروغ، افترا یا هجوگویی پناه برد.

۸- حرمت قذف

یکی از مسائل مربوط به بعد معنوی انسان‌ها، مسئله احترام و آبروی فرد است. احترام به آبروی شخص، امری عقلانی و فطری است، که اسلام نیز بر آن تأکید بسیار کرده است.

در معارف دینی اسلام آبروی مؤمن مانند خون او توصیف شده است. هتک حرمت افراد به وسیله قذف یا هر وسیله دیگر، موجب وارد شدن صدمات معنوی و سبب آزار و اذیت آنان می‌شود، که در هر حال موضوع حرمت واقع شده است.

پیامبر اسلام ﷺ می‌فرمایند:

کسی که مسلمانی را اذیت کند، مرا اذیت کرده؛ و اذیت کردن من اذیت کردن خداست؛ و چنین کسی در تورات و انجیل و قرآن، لعنت شده است.^۱

آیات قرآن کریم نیز قذف را حرام اعلام کرده است.^۲

بر اساس ماده ۱۳۹ قانون مجازات اسلامی:

قذف؛ نسبت دادن زنا یا لواط است، به شخص دیگری.

هم‌چنین بر اساس ماده ۱۴۰ همان قانون:

حد قذف برای قذف کننده مرد یا زن، هشتاد تازیانه است.

با توجه به این که نظر بیشتر فقها بر این است، که قذف کتبی نیز قذف محسوب می‌شود؛^۳ لذا امکان تحقق قذف از طریق رایانه نیز وجود دارد؛ مثل این که شخصی با دیگری در گفتگوی اینترنتی^۴، به طرف مقابل نسبت زنا یا لواط دهد؛ یا با ارسال رایانامه^۵، دیگری را به زنا و لواط متهم کند.

هم‌چنین پخش فیلم برخه^۶ در اینترنت، و ارسال عکس یا کاریکاتور، که به صراحت بر اتهام زنا یا لواط دلالت کند، از مصادیق قذف می‌باشند.

در این مثال‌ها چنانچه شرایط تحقق قذف وجود داشته باشد، قذف موجب حد، تحقق می‌یابد.^۷

بنابراین، از منظر فقهی و حقوقی، نسبت صریح لواط یا زنا به شخصی در فضای مجازی - به هر شکل که باشد - حرام، و دارای مجازات ۸۰ ضربه شلاق است.

۱- ارشاد حسینی و وزیری، ۱۳۹۲.

۲- ر. ک: نور، ۲۴-۲۳ و ۴-۵.

۳- ر. ک: گنجینه استفتائات قضایی، ۱۳۹۰، س ۹۰۱۶ و ۵۱۳۶۸.

4. Chat
5. Email
6. Online

۷- بای و یور قهرمانی، ۱۳۸۸، ص. ۲۷۷.

۹- حرمت توهین به مقدسات ادیان

یکی از اصولی، که خداوند متعال برای اخلاق اجتماعی مسلمین پیش‌بینی کرده است، اصل احترام به پیروان ادیان است. خداوند متعال به عنوان یک دستور به پیامبر اکرم ﷺ و هم‌چنین عموم مسلمین، می‌فرماید:

«قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ!»؛ بگو: ای اهل کتاب! بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است، که جز خدای یگانه را نپرستیم، و چیزی را شریک او قرار ندهیم، و بعضی از ما بعضی را اربابانی به جای خدا نگیرد.

از این آیه استفاده می‌شود، که مراد خداوند این است، که پیروان ادیان توحیدی با وحدت و احترام متقابل در کنار یکدیگر، زیست مسالمت‌آمیز داشته باشند.

در آیه دیگر نیز برای این که زمینه توهین به پیروان ادیان توحیدی غیر از اسلام، از بین رود، می‌فرماید:

«إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»؛ مسلماً کسانی که ایمان آوردند، و یهودی‌ها و نصرانی‌ها و صابئی‌ها هر کدامشان به خدا و روز قیامت ایمان آورند، و کار شایسته انجام دهند، برای آنان نزد پروردگارشان پاداشی شایسته و مناسب است، و نه بیمی بر آنان است، و نه اندوهگین شوند.

این آیه نیز بیان می‌کند، که یهودیان و نصرانیان و صابئیان زمینه ایمان به دین کامل - اسلام - را دارند. از همین روی نباید با توهین و سخنان نسنجیده، آنان را از اسلام دور کرد. رعایت ادب و دوری از توهین و دشنام در قرآن کریم، چنان مهم است، که حتی نسبت به خدایان دروغین و بت‌ها نیز اجازه توهین و ناسزا گفتن، نمی‌دهد.

خداوند متعال در این باره می‌فرماید:

«وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ»؛ و معبودانی را که کافران به جای خدا می‌پرستند، دشنام ندهید، که آنان نیز از روی دشمنی و نادانی خدا را دشنام خواهند داد.

در این آیه شریفه، خدای متعال به علت ممنوعیت فحش و ناسزا؛ حتی به خدایان دروغین نیز اشاره می‌کند، و آن را واکنش متقابل و البته غلط پیروان آن‌ها - دشنام به خدای یگانه - می‌داند.

در نظام حقوقی ایران نیز بر اساس اصل ۱۳ قانون اساسی:

ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت‌های دینی شناخته می‌شوند، که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود، آزادند؛ و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود، عمل می‌کنند.

۱- آل عمران، ۶۴.

۲- بقره، ۶۲.

۳- انعام، ۱۰۸.

طبق اصل ۱۴ قانون اساسی نیز:

به حکم آیه ۸ سوره ممتحنه، دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان، موظفند نسبت به افراد غیر مسلمان، با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند، و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند. این اصل در حق کسانی اعتبار دارد، که برضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران، توطئه و اقدام نکنند.

در نظام حقوقی کامن لا^۱ نیز که بسیار متأثر از حقوق کلیسایی است، و هم اکنون برخی از کشورهای غربی از جمله آمریکا و انگلستان از این نظام، تبعیت نسبی دارند، از گذشته توهین به مقدسات را با عنوان کفر و ناسزاگویی^۲، جرم تلقی کرده‌اند. بر اساس تعریفی، که حقوق دانان غربی ارائه کرده‌اند، واژه ارتداد^۳ شامل هر گونه انکار حقانیت مسیحیت، کتب مقدس و یا انکار وجود خداوند می‌شود، و این‌ها همه جرم محسوب می‌شوند.^۴

بنابراین باید توجه داشت توهین به مقدسات ادیان توحیدی، هم از منظر فقهی، ممنوع و حرام است؛ و هم از منظر حقوقی، ممنوع است.

این در حالی است، که در فضای مجازی، توهین‌ها و بیان سخنان نسنجیده نسبت به پیروان سایر ادیان توحیدی، مشاهده می‌شود؛ اما نکته این‌جاست، که یک مسلمان متعهد هرگز نباید نسبت به پیروان سایر ادیان توحیدی - و حتی به تعبیر آیه ۱۰۸ سوره نحل در مورد مشرکین - از الفاظ زشت و ناپسند استفاده نماید؛ چرا که این کار باعث حفظ شخصیت مسلمین و جذب حداکثری سایر پیروان ادیان به دین مهربانی و مهرورزی - اسلام - می‌شود.

۱۰- حرمت ورود به حریم خصوصی

برخی در فضای مجازی، به دنبال ورود به رایانه‌ها، گوشی‌های تلفن همراه، و به طور کلی، در پی دسترسی به اطلاعات شخصی و خصوصی دیگران هستند تا آسیب‌هایی به آن شخص یا کشور وارد نموده، و یا سوء استفاده‌هایی نمایند.

حریم خصوصی؛ قلمروی از زندگی یک فرد است، که آن فرد، انتظار دارد دیگران بدون رضایت وی به اطلاعات راجع به آن قلمرو، دسترسی نداشته باشند.^۵

در تعالیم اسلامی، کرامت ذاتی انسان بر مبنای یک امر قراردادی و اعتباری نیست؛ بلکه بر اساس یک امر هستی‌شناختی اصیل است، که ریشه در ذات خلقت بشری دارد.

کرامت انسانی و احترام به مقام اشرف مخلوقات، سنت الهی و سیره برگزیدگان و صالحان، در طول تاریخ بوده است. حفاظت از تمامیت روحی و جسمی انسان از آنجایی که خلیفه خداوند در زمین است، و جلوه‌ای از وجود لایزال الهی است، امری بایسته و واجب محسوب می‌گردد؛ لذا هرگونه مداخله، تجسس، پی‌جویی اطلاعات، نگاه کردن و افشای اطلاعات شخصی افرادی، که تمایلی به افشای آن‌ها ندارند، و یا باعث وهن و تحقیر آن‌ها می‌شود، منافی این کرامت ذاتی است.

1. Common Law
2. Blasphemy
3. Apostasy

۴- ر. ک: هاشمی، ۱۳۸۴، ص. ۲۵.

۵- انصاری، ۱۳۸۶، ص. ۱۶.

اطلاعاتی از قبیل بیماری‌های جنسی، عیوب رفتاری یا گفتاری، مشکلات خانوادگی، پیشینه منفی افراد و گناهان و معاصی گذشته ایشان، اطلاعاتی هستند، که ممکن است شخصی رضایت به افشای آن‌ها نداشته باشد، و در صورت آگاهی یافتن و افشای این اطلاعات - ولو نزد یک نفر - حیثیت و شرافت شخص از بین برود؛ و یا این‌که حتی وی از افشای آن‌ها احساس خجالت، سرافکندگی و انزوا نماید.

از این روست که با افشای این اطلاعات، کرامت ذاتی بشر از بین می‌رود، و برای حفظ این کرامت ذاتی، لازم است حریم خصوصی اشخاص، مورد حمایت قرار گیرد.

هم‌چنین نقض حریم خصوصی اشخاص، که ممکن است در اشکال متفاوتی ظاهر شود، موجب آبروریزی شخص محسوب می‌شود، و به لحاظ تطبیق با عنوان هتک عرض، از نظر شرعی حرام بوده، و جایز نیست.

بنابراین، نقض حریم خصوصی از مصادیق تجسس محسوب می‌شود، که براساس آیات^۱ و روایات^۲ از محرمان الهی به شمار می‌روند. هم‌چنین در صورت انتشار اطلاعات افراد، از مصادیق افشای سر محسوب می‌شود، که بر اساس ادله فراوان، این فعل نیز حرام است.^۳

۱۱- حرمت سرقت حقوق معنوی

حقوق معنوی؛^۴ از حقوق عرفی رُم گرفته شده است.^۵

در اصطلاح‌شناسی حقوق معنوی، آن را حقی بجز حق عینی و ذمی می‌گویند. از این رو، حق آن قانونی و غیر مادی است؛ همانند: حق مخترع بر اختراع خود، و حق کسی که گواهی‌نامه رسمی دارد، و از این‌گونه است: حق مؤلف، و حق نام و علائم تجاری، و حق سرقتی.^۶

این حقوق گاهی در قالب دستاوردهای علمی، اختراعات و اکتشافات است؛ و گاهی در قالب خلق آثار هنری می‌باشد. دستاوردهای علمی، که در قالب مقاله، کتاب، پایان‌نامه و گزارش علمی منتشر می‌شود، دارای مالیت و ارزش است؛ به شرطی که دارای فایده عقلایی بوده، و قابل انتفاع باشد.

به عنوان مثال: مؤلف، مالک تألیف و دستاورد علمی و فکری خویش است، و می‌تواند دیگران را از تصرف در آن، باز دارد. این تصرف به معنای چاپ و تکثیر اثر مؤلف است، که بدون اجازه و رضایت او صورت گیرد.

به تعبیر برخی حقوق‌دانان: حقی که نویسنده یک اثر ادبی و علمی، یا مخترع نسبت به اختراعش پیدا می‌کند، از حقوق مالی و با ارزش است؛ ولی موضوع آن امری ذهنی و فکری است؛ که می‌توان این حقوق را حقوق مالی و ذهنی نامید.^۷

۱- ر.ک: حجرات، ۱۲.

۲- ر.ک: حر عاملی، ۱۳۶۸، ص. ۲۹۴.

۳- ر.ک: کلینی، ۱۴۰۸، ص. ۳۶۸؛ محدث نوری، ۱۴۰۸، ص. ۴۱۱.

4. Incor Poreal Rights (In English) Droit intellectual (In France)

۵- عبدالفتاح، بی‌تا، ص. ۱۵۶.

۶- جعفری لنگرودی، ۱۳۷۶، ج ۸، ص. ۲۲۷.

۷- همان، ص. ۱۶۶.

بنابراین کپی‌برداری و انتشار بدون اجازه اثر علمی کسی، ممنوع و حرام است. بر اساس قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان-مصوب ۱۳۴۸- و کنوانسیون جهانی حقوق مؤلف ژنو- مصوب ۱۹۵۶- و سایر قوانین بین‌المللی نیز حق تألیف برای مؤلف، محترم بوده، و انتشار بدون اجازه آن ممنوع، و جرم محسوب می‌شود. گاهی نیز دستاورد علمی در قالب اختراع به منصفه ظهور می‌رسد، و نتیجه آن به طور مکتوب یا در فضای مجازی منتشر می‌شود.

با توجه به ماهیت اختراع، که حاصل زحمات فکری و مادی فراوانی است تا شخص بتواند اختراعی پدید آورد، مسلماً مالیت بر آن صادق است؛ لذا بهره‌برداری از اختراع اشخاص بدون اجازه آن‌ها نیز مصداق سرقت مال محترم محسوب می‌شود. طبق قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری- مصوب ۱۳۸۶- افراد به مدت بیست سال از رقابت در اختراع مشابه منع می‌شوند.

این انحصار به طور مطلق اجرا می‌شود، به نحوی که کسی جز مخترع حق ندارد اقدام به ساخت، استفاده یا فروش کند؛ البته این انحصار در مقابل این است، که مخترع موظف است اطلاعات مربوط به اختراع را به محض دریافت گواهینامه اختراع، افشا نماید تا جامعه وقت و هزینه خود را صرف اختراعات سابق نکند.

برخی موارد نیز نتیجه زحمات یک شخص یا اشخاصی در قالب آثار ادبی- هنری بروز می‌یابد. بر اساس تعاریف نظام‌های حقوقی، صاحبان این آثار دارای مالکیت ادبی- هنری هستند؛ لذا کپی‌برداری و هرگونه استفاده بدون اذن از این آثار، مصداق تعدی به اموال غیر بوده، و از نظر شرعی حرام، و از نظر حقوقی مشمول مجازات‌های تعیین شده است. با این وجود، در فضای مجازی بعضاً سرقت‌های علمی، ادبی- هنری، اختراعات و اکتشافات مشاهده می‌شود، که مصادیق آن نیز سرقت و کپی‌برداری از مقالات و کتاب‌ها و انتشار به نام غیر، کپی‌برداری از آثار هنری دیگران و تلفیق با موارد دیگر بدون ذکر نام طراح و خالق اثر، دسترسی به اطلاعات یک اختراع و اکتشاف از طریق مهندسی معکوس یا شیوه‌های دیگر است، که همگی این‌ها از مصادیق ظلم و تعدی به حقوق دیگران بوده، و حرام قطعی است، که از نظر حقوقی نیز مشمول مجازات‌های مقرر می‌باشد.

اصول اخلاقی در فضای مجازی

رعایت اخلاق در زندگی و ارتباطات اجتماعی، ضرورت انسانی زیستن است. اخلاق اجتماعی موجب قابل تحمل شدن تزاخمت و اصطکاک‌های اجتناب‌ناپذیر زندگی در عصر جدید می‌شود؛ چرا که در غیر این صورت، انباشت برخوردها و اختلاف‌ها، زندگی در فضای جدید را غیر قابل تحمل می‌کند.

این اخلاق منحصر به فضای واقعی و زندگی اولی نیست؛ بلکه در زندگی دوم و فضای مجازی نیز مورد نیاز است، و نمی‌توان از آن غفلت کرد.

با توجه به اختلالات زندگی در عصر جدید- به نوعی- تأخر و عقب‌ماندگی اخلاقی در فضای مجازی مشاهده می‌شود، که منجر به بسیاری از ناهنجاری‌ها و حتی بزهکاری‌ها شده است؛ لذا ضروری است درباره اخلاق در فضای مجازی، اندیشیده شود، که در ادامه نکته‌هایی در این خصوص، بیان می‌شود:

۱- فضای مجازی امتداد فضای واقعی بوده، و مخاطبان آن نیز انسان هستند؛ لذا بسیاری از اصول و قواعد اخلاقی حاکم در جامعه، در این فضا نیز باید حاکم و جاری باشد. نتیجه آن‌که باید به همه قواعد و اصول اخلاقی و نزاکت و ادب انسانی در فضای مجازی، تمکین کرد.

۲- برای پرهیز از ساختارشکنی و بی‌اخلاقی در این فضا، چارچوبی برای کاربران باید تعیین کرد.

۳- نباید اجازه داد ویژگی جویندگی و برانگیختگی در هنگام کنش‌گری، کاربران را به شکستن حریم‌های اخلاقی ترغیب کند.

۴- نباید تحت تأثیر برخی رفتارهای به ظاهر مدرن و ترقی‌خواهانه برخی کنش‌گران، مرتکب کنش‌های غیر اخلاقی شد.

۵- لازم است در انتخاب شبکه، کانال و مخاطب در فضای مجازی، هشیارانه عمل کرد تا جایی که از اثربخشی مطالب و آموزه‌های ارسالی، اطمینان حاصل شود.

۶- لازم است در استفاده از سبک نوشتاری یکسان با مخاطبان غیر هم‌جنس و غیر هم‌سطح، پرهیز کرد.

۷- اگر برای برخی کاربران، گروه مرجع وجود دارد، به واسطه جلب اعتماد آنان در بازگویی پرسش‌ها و دغدغه‌هایشان، نباید گروه مرجع در قالب متخصصی همه‌چیزدان خود را معرفی کند، و مشاوره‌های غیر کارشناسانه دهد.

۸- در برقراری ارتباطات عاطفی- به ویژه با جنس مخالف- باید از تحریک عواطف و احساسات مخاطبان گرفتار و وامانده اجتناب کرده، و آنان را به مراجع یا افراد ذی‌صلاح و متخصص ارجاع داد.

۹- لازم است از انتشار هر گونه مطلبی که شائبه افتراء، تهمت، غیبت و منکری در این فضا است، احتراز کرد.

۱۰- لازم است از نشر و بازپخش هر مطلب و مبحثی، که سودآور نبوده، و یا تنها از باب احتجاج باطل، و یا غلبه بر مخاطبی در فضای عمومی قابل انعکاس است، اجتناب کرد.

۱۱- باید از دستکاری اطلاعات- کم و زیاد کردن و تغییر مضامین- و مطالب منتشره دیگران، و حذف متعمدانه بخش‌هایی از آن، به گونه‌ای که برداشت دیگری از محتوای آن بشود، پرهیز کرد.

۱۲- لازم است از انتشار هرزنامه، تصاویر مستهجن و خشونت‌بار و تشویش‌کننده اجتناب کرد.

۱۳- لازم است از نشر هر گونه مطلب، بدون نقل منبع؛ و یا تصویر، بدون کسب اجازه از افراد ذی‌حق- حتی فرزندان خود- پرهیز کرد.

۱۴- نباید مطالب و اخبار غیر واقع و کذب را با هدف تخریب و تشویش اذهان و افکار عمومی، منتشر کرد.

۱۵- لازم است تمامی رفتار و کنش‌گری‌ها در فضای مجازی، بر اساس منطق، وجدان، و ارزش‌های عرفی و انسانی تنظیم شود.^۱

۱- فتوره‌چی، بی‌تا.

توصیه‌هایی برای فعالان فضای مجازی

با توجه به گستردگی فعالیت‌ها در فضای مجازی، و تهدیدهای فزاینده‌ای که در این عرصه وجود دارد، در این بخش پایانی مقاله، نکته‌هایی در قالب توصیه، به منظور استفاده مطلوب از فضای مجازی توسط کاربران و فعالان این عرصه، بیان می‌شود:

- ۱- ضرورتی ندارد در همه گروه‌های شبکه‌های تلفن همراه عضو شد، و خود را موظف به دیدن و مطالب و یادداشت‌ها دانست.
- لذا تنها عضویت در گروه‌هایی مناسب است، که تبادل اطلاعات در آن با زندگی و حرفه تخصصی کاربر، مرتبط باشد. در غیر این صورت، وقت و زمان کاربر تلف می‌شود، و نوعی اعتیاد در خواندن مطالب بی‌فایده در شبکه‌ها، پیدا می‌شود.
- ۲- فضای مجازی برای بحث‌های جدی مناسب نیست؛ از این رو درباره مسائل مهم اعتقادی، سیاسی و فکری نباید وارد گفتگوی تخصصی شد؛ چون این صحبت‌ها نیازمند گفتگوی رو در رو و حضوری است.
- ۳- هر مطلبی که خوانده شده یا مورد پسند قرار می‌گیرد، فوراً به اشتراک گذاشته نشود، و درباره صحت و منبع آن، تحقیق شود. مطالعات انجام شده نشان می‌دهد بسیاری از مطالب منتشر شده در شبکه‌های مجازی، غیر واقعی یا ترکیبی از راست و دروغ است. هم‌چنین درباره صحت و سقم این مطالب نیز نباید مشاجره کرد.
- ۴- فکاهی، طنز، شوخی و جوک در فضای مجازی موجب انبساط خاطر و تمدد اعصاب می‌شود؛ اما در این فضا نباید فقط به دنبال این نوع مطالب بود. نکته دیگر این‌که به هر قیمتی نباید خندید، برخی از این مطالب، توهین مستقیم و بی‌شرمانه به اعتقادات و ارزش‌های انسانی و دینی و قومی است؛ لذا لازم است از گروه‌هایی که این حد و مرزها را رعایت نمی‌کنند، خارج شد.
- ۵- وقتی گروهی ایجاد می‌شود، از ابتدا هدف و کارکرد ایجاد گروه، مشخص شود. گروه‌هایی که در زمینه‌های مختلف سخن می‌گویند، غالباً به بی‌راهه کشیده می‌شوند.
- اگر گروه‌ها کارکرد خاصی داشته باشند، مفید خواهند بود. به عنوان مثال تصور کنید گروهی ایجاد شود، که خانواده‌ها در آن، در خصوص مقاصد گردشگری در تعطیلات آخر هفته به تبادل اطلاعات بپردازند. این گروه حتماً مفید و پایدار خواهد ماند.
- ۶- در شبکه‌های اجتماعی و شبکه‌های تلفن همراه، به افرادی که ناشناس هستند، نباید اعتماد کرد، و نباید با آن‌ها دوست شد، یا آن‌ها را در گروه‌ها عضو کرد. هم‌چنین نباید به مشخصات و عکس‌های پروفایل‌ها اعتماد کرد. بهتر است در گروه‌ها همه تقریباً هویت هم را بشناسند.
- ۷- لازم است وقت معین و محدودی برای حضور در شبکه‌ها اختصاص داد، که شایسته است از وقت‌های مرده و موازی برای این کار استفاده کرد؛ مانند صف نانوائی، نوبت سلمانی، داخل وسیله نقلیه، مترو، مطب پزشکی و... هم‌چنین لازم است در فضایی که دیگران می‌توانند به صورت حضوری صحبت کنند، از تلفن همراه استفاده نکرد؛ مانند محیط خانواده. این کار به تمرین و ممارست نیاز دارد.

- ۸- دلیلی ندارد در باره همه مطالب این شبکه‌ها اظهار نظر و قضاوت کرد. گاهی فقط لازم است تماشاجی بود، و خیلی از مطالب را جدی نگرفت، یا سعی در ارشاد یا توبیخ منتشر کننده نکرد.
 - ۹- به طور نسبی ظرفیت و فضای فکری، تربیتی و اجتماعی مخاطب را در انتشار مطالب باید در نظر گرفت. شاید انتشار یک لطیفه برای کسی عادی باشد؛ اما برای برخی اعضای گروه، نوعی توهین تلقی شود.
 - ۱۰- در انتشار مطالب سعی شود میان شخصیت واقعی فرد، و محتوای مطالب ارائه شده، ارتباط باشد؛ لذا نباید دیگران به واسطه مطالب منتشر شده از جانب فرد، درباره او قضاوت غلط و اشتباه کنند.
- این نکته در نظر گرفته شود، که مجموعه مطالبی که در فضای مجازی منتشر می‌شود، قطعات جدولی هستند، که تصویر فرد را در ذهن دیگران، می‌سازد.^۱

نتیجه‌گیری

بر اساس آنچه در این پژوهش گذشت، فعالیت‌ها در فضای مجازی به عنوان یک پدیده و یک فعل از افعال مکلفین، دارای احکام و عناوین فقهی و حقوقی است.

در این مقاله، ۱۲ عنوان، که امکان ترتب بر فعالیت در فضای مجازی را دارد، مورد بررسی قرار گرفت، و حکم فقهی حقوقی هر یک بیان شد؛ اما بجز قانون و مجازات‌های ملی و بین‌المللی برای تخلفات در فضای مجازی، آنچه می‌تواند عامل بازدارنده، و یکی از مهم‌ترین ضمانت‌های دوری از تخلفات در فضای مجازی باشد، فراگیری و به کار بستن آموزه‌های اخلاقی است.

به نظر می‌رسد، پیوند وثیقی که میان دو حوزه اخلاق و فقه وجود دارد، این امکان را به مکلف می‌دهد، که با تقویت باورهای اخلاقی، احکام فقهی را به خوبی اتیان نماید؛ به نحوی که کمترین سطح تخلف در فضای مجازی مشاهده شود؛ و از این رهگذر زیستی سالم، اخلاق‌باوری، و فقه‌مداری در فضای مجازی، رقم بخورد.

منابع و مآخذ

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- نهج البلاغه.
- ۳- انصاری، باقر، (۱۳۸۶)، حقوق حریم خصوصی، تهران: سمت.
- ۴- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، (۱۳۶۳)، تحف العقول، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- ۵- ارشاد حسینی، حجت، وزیری، مجید، بررسی حکم فقهی و حقوقی افترا و قذف در فضای مجازی، فقه/امامیه، ۳(۱۳۹۲): ۱۰۱-۱۲۳.
- ۶- بای، حسینعلی، پورقهرمانی، بابک، (۱۳۸۸)، بررسی فقهی حقوقی جرایم رایانه‌ای، قم: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ۷- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۷۶)، ترمینولوژی حقوق، تهران: کتابخانه گنج دانش.

- ۸- حر عاملی، محمدبن حسن، (۱۳۶۸)، وسائل الشیعة، بتحقیق
- ۹- حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۱۳)، قواعد الاحکام، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- ۱۰- خراسانی، محمد کاظم، (۱۴۱۵)، کفایة الاصول، قم، انتشارات جامعه مدرسین.
- ۱۱- خوبی، سید ابوالقاسم، (۱۴۱۹)، اجود التقریرات، قم: مؤسسه صاحب الامر علیه السلام.
- ۱۲- دبیری مهر، امیر، اصول اخلاقی حضور در فضای مجازی، <http://press.jamejamonline.ir/Newspreview/1927926770148369894>
- ۱۳- سبحانی تبریزی، جعفر، (۱۳۸۲)، تهذیب الاصول، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
- ۱۴- شایعه در قرآن و روایات، پیام حوزه، ۲۵ (۱۳۷۹).
- ۱۵- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی عاملی، (۱۴۱۳)، مسالک الافهام، قم: مؤسسه معارف اسلامی.
- ۱۶- صدوق، محمدبن علی، (۱۳۶۸)، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، قم: منشورات شریف رضی.
- ۱۷- عبدالفتاح؛ مراد، (بی تا)، المعجم القانوني رباعي اللغة، قاهره: اسکندریه.
- ۱۸- فتوره چی، محمد مهدی، اصول و مرامنامه اخلاقی در فضای مجازی، <http://isr.ut.ac.ir/?p=442>
- ۱۹- فیض کاشانی، ملا محسن، (۱۴۱۵)، التفسیر الصافی، تهران: انتشارات الصدر.
- ۲۰- کار، جان، آثار مضر پورنوگرافی کودک، ترجمه محمد حسن دزیانی، *خبرنامه انفورماتیک*، ۸۷ (۱۳۸۲).
- ۲۱- کرکی، علی بن حسین، (۱۴۰۸)، جامع المقاصد، قم: مؤسسه آل‌البتیت علیهم السلام.
- ۲۲- کلاین، ویکتور، تأثیر هرزه‌نگاری بر بزرگسالان، *سیاحت غرب*، ۲۲ (۱۳۸۴).
- ۲۳- کلینی، ابوجعفر محمد، (۱۴۰۸)، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ۲۴- گلدوزیان، ایرج، (۱۳۸۸)، بایسته‌های حقوق جزایی، تهران: میزان.
- ۲۵- لغت‌نامه دهخدا، <http://www.vajehyab.com>
- ۲۶- مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳)، بحار الأنوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ۲۷- محقق اردبیلی، احمدبن محمد، (۱۴۰۳)، مجمع الفائدة، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- ۲۸- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۲۵)، انوار الاصول، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
- ۲۹- منتظری، حسینعلی، (۱۳۷۰)، *نهایة الاصول*، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- ۳۰- نرم‌افزار گنجینه استفتائات قضایی، (۱۳۹۰)، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی قضا.
- ۳۱- محدث نوری، میرزا حسین، (۱۴۰۸)، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، قم: مؤسسه آل‌البتیت علیهم السلام.
- ۳۲- هاشمی، حسین، (۱۳۸۴)، ارتداد و آزادی، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ۳۳- قوانین: قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛ قانون مجازات اسلامی؛ قانون جرایم رایانه‌ای؛ اعلامیه جهانی حقوق بشر؛ پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک.